

علمای اصفهان و ملی شدن صنعت نفت ایران

رسول جعفریان

<http://www.historylib.com>

مقدمه

در سالهای اخیر، دهها عنوان کتاب در باره دکتر مصدق نوشته شده و چنین وانمود شده است که وی رهبری بی نقص و عیب بوده و جناح مقابل او، یکسره بر خطا بوده‌اند. به علاوه در این کتابها تلاش شده است تا سهم روحانیت و در رأس آنان آیت الله کاشانی نادیده گرفته شده و وی آلت دست افرادی معرفی شود که متهم بوده‌اند.

این قبیل برخوردها در کشور ما پرسابقه است. یا کسی را برای آسمان می‌خواهیم یا برای زیر زمین. بنای آن نداریم تا افراد را برای روی زمین استفاده کنیم.

به عبارتی همیشه و تقریباً همه جناحها دوست دارند همه چیز را یا سیاه و یا سپید ببینند. این افراد نه تنها خود چنین می‌کنند بلکه نوشته‌ها و گفته‌های افراد بی‌طرف یا به عبارتی با طرف اما همه جانبه نگر را که می‌بینند آنان را هم از ظن خود تفسیر و تأویل می‌کنند. مثلاً اگر کسی از روی این نوع نگاه همه جانبه، حسنی را از کسی وصف کرد، حتی اگر ده‌ها نقد هم به او وارد کند، این افراد بر نمی‌تابند. ما این داستان را در باره موضوعات، اشخاص و تشکلهای مختلف داشته‌ایم. نمونه آن دکتر شریعتی، انجمن حجتیه، دارالتبلیغ اسلامی و بسیاری از مسائل دیگر و اشخاص دیگر است.

دکتر مصدق برای عده‌ای بت شده است، همان طور که شریعتی برای گروهی بت شده بود. در مقابل، کسانی هم اصرار دارند تا دکتر مصدق را سر تا پا عیب ببینند.

اکنون روشن است که صرف نظر از شخصیت دینی آیت الله کاشانی که شخصیتی بسیار برجسته است، و نیز شخصیت ملی دکتر مصدق که به هر روی در یک دوره، با حمایت مردم و علما مظهر مبارزات ملی ایرانیان در برابر استعمار بود، در اطراف هر دو، کسانی بودند که قابل دفاع نبوده و نیستند. بسیاری از خطاها به آنان بر می‌گردد و البته ریشه‌اش به اطمینان نایجابی رهبران به آنان بود.

اما این که آیت الله کاشانی به عنوان یک عالم دینی در پی تحقق حکومت اسلامی نبوده - برخلاف فدائیان اسلام که چنین چیزی می‌خواستند - کاملاً روشن است و کسی نمی‌تواند او را از طرفداران تحقق حکومت اسلامی در آن شرایط بداند.

در برابر، کسانی هم که بر شخصیت دکتر مصدق به عنوان یک ملی تمام عیار تکیه می‌کنند، در بسیاری از موارد قادر به حل دشواری‌های موجود و روش‌های غیر دمکراتیک وی که مهم‌ترین ضربه را به خود او و نهضت زد، نخواهند بود. وی مجلس را از بین برد و هر روز خواستار اختیارات بیشتر بود. در یک نظام دمکرات، چه کسی است که تا این اندازه به روش‌های غیردمکراتیک‌تر روی آورد؟ هشدارهای مکرر آیت الله کاشانی در این زمینه یعنی بی‌توجهی به آرای مردم و مجلس، به خوبی می‌تواند نشان دهد که در این نزاع، کاشانی مدافع دمکراسی است و دکتر مدافع روش‌های غیردمکراتیک با بهانه‌های واهی.

به هر روی باید اجازه داد تا تحقیقات بدون پیشداوری به پیش برود. در سالهای اخیر در میان انبوه کتابهای موجود آثاری که مبتنی بر اسناد و مدارک بوده فراوان نوشته شده است. شاید یکی از بهترین این کارها، کتاب آقای محمدعلی موحد باشد که تحت عنوان «خواب آشفته نفت» انتشار یافته است (تهران، کارنامه، ۲۷۸) و تعلیقه‌ای که با عنوان «گفته‌ها و ناگفته‌ها» بر آن نوشت.

نهضت ملی شدن صنعت نفت تجربه‌های فراوانی داشت که خوشبختانه رهبران دوره بعد از آن نتایج روشنی گرفتند.

۱. یکی از مهم‌ترین نتایج آن بود که این نهضت فاقد یک اندیشه و تفکر منظم بود. دلیل آن هم به جز فقر فکری و سیاسی در جناح ملی و مذهبی، صورت این نهضت بود که برای تحقق یک هدف اقتصادی و اندکی سیاسی تلاش می‌کرد. نتیجه‌ای که گرفته شد آن بود که جبهه متدین و به خصوص روحانیت دریافت که باید به فکر اندیشه سازی باشد. در این زمینه، دیندارها از ملی‌ها جلو افتادند. به علاوه سرخوردگی بسیاری از ملی‌ها آنان را به جبهه مذهبی‌ها کشاند. و تا نهضت خرداد که راه را برای جبهه متدین هموار کرد.

۲. این زمان، هنوز زمان مرگ سلطنت نبود. این نکته‌ای است که نمی‌توان از آن غفلت کرد. سلطنت در ایران سابقه دیرینه داشت و با عقاید عرفی و عامیانه پیوندی عمیق. در این زمینه، زمان لازم بود تا سلطنت یک جایگزین و آلترناتیو جدی داشته باشد تا توده‌های مردم قانع شوند که می‌بایست قبلی را از بین ببرند. ملی‌ها و کمونیست‌ها قادر به ایجاد چنین جایگزینی نبودند. روحانیت هم هنوز دستش خالی بود. سالها گذشت و با استفاده از آن تجربه، هم سلطنت بی‌آبرو شد و هم یک جایگزین معقول پدید آمد. در نهضت ملی، هیچ کس پیروز نشد و این آشکارا است که اشتباهاتی در هر چند طرف وجود داشته است. اما مهم آن بود که ملی‌ها با تمام وجود سرمایه‌گذاری کردند و شکست خوردند و روحانیت با احتیاط پیش آمد و فرصت را برای بعد نگاه داشت.

۳. در نهضت ملی شدن نفت، دو قسم مسأله پیش می‌آمد. یکی آنچه که مربوط به نفت و مسائل اقتصادی و سیاسی آن بود. دوم مسائل فکری و فرهنگی که به دلیل باز شدن نسبی فضای سیاسی مطرح گردید. کمونیست‌ها به رغم سروصداهای فراوان به دلیل مشکلاتی که برای حزب توده پیش آمد در این ماجرا شکست سختی خوردند. روحانیت نیز که با احتیاط پیش آمده بود، یعنی مراجع محلی درگیر بود نه مرجعیت مطلقه و عامه، توانست اندیشه‌ها و موقعیت خود را در عمل محک بزند. طی این ماجرا حوزه با مسائل سیاسی و مذهبی جاری در جهان اسلام آشنا شد و این تحول طلبه‌های جوان را سخت به اندیشه واداشت و آنان را برای یک پرش فکری و سیاسی آماده کرد. تحولی که در سالهای بعد از آن شاهد هستیم و نتیجه‌اش را در نهضت اسلامی خرداد مشاهده کردیم.

۴. به نظر نویسنده این سطور تجربه ملی شدن نفت، در میان مشروطه و انقلاب اسلامی یک نقطه با اهمیت است. در مشروطه روحانیت و روشنفکران حضور داشتند، اما سیر کلی ماجرا به سمت عرفی شدن بود و روحانیت به اجبار کنار گذاشته شد یا کنار رفت. در انقلاب اسلامی، روحانیت و ملی‌ها - گرچه کم رنگ - بودند اما به عکس مشروطه، حرکت در مسیر دینی شدن بود. در این میان، نهضت ملی شدن صنعت نفت یک مرحله میانی و یک تجربه جالب بود. فرصت برای آن که گروه‌های مختلف خود را نشان دهند پدید آمد و در این میان، ملی‌ها نتوانستند اوضاع را در اختیار بگیرند. دلیل آن هم ناپختگی، افراطی‌گری برخی از افراد و یکدندگی‌های شخص دکتر مصدق بود. البته دلایل سیاسی و امنیتی هم داشت. دکتر مصدق، سیستم امنیتی خود را در اختیار کسانی قرار داد که کودتاجی از آب درآمدند. هرچه بود، نهضت ملی را باید قدم میانی دانست. روحانیت فعالانه شرکت کرد اما رهبری در اختیار ملی‌ها بود. این جریان در حافظه بسیاری ماندگار شد و بعدها آن تجربه تکرار نشد.

چند نکته
نکته اول

تنها مرجعی که از درجه اولی‌ها با ملی شدن نفت همراهی کرد آیت الله حاج سید محمد تقی خوانساری بود که آن زمان در قم اقامت داشت و از مراجع ثلاث بود. آیت الله حاج شیخ عباسعلی شاهرودی هم که این زمان از علمای درجه دوم قم بود، فتوایی در لزوم ملی شدن صنعت نفت صادر کرد. همچنین آیت الله حاج سید محمود روحانی (از خاندان روحانی‌های قم).

اما در شهرستانها، شماری از روحانیون درجه دوم (به لحاظ رتبه مرجعیت) جانبدار ملی شدن صنعت نفت بودند.

در تهران، به جز آیت الله کاشانی که محور بود، باید از میرزا خلیل کمره‌ای و میرزا محمد باقر کمره‌ای نام برد.

از شیراز آقای آیت الله بهاء‌الدین محلاتی.

از اصفهان آیت الله چهارسوقی، آیت الله خادمی و چند نفر دیگر.

از گیلان آیت الله حاج سید باقر رسولی.

از مازندران آیت الله حاج شیخ ولی الله مدرسی مازندرانی.

هیئت علمیه برخی از شهرستانهای دیگر از جمله شهرستان قمشه یا جمعی از طلاب قم و... هم در این باره بیانیه‌هایی ارائه کردند.

اما آیت الله بروجردی وارد این ماجرا نشد. برای این اقدام او دلایل مختلفی را برشمرده‌اند که جای آن در اینجا نیست. ایشان نهایت چیزی که در پاسخ دکتر مصدق نوشت این بود:

«موفقیت جنابعالی را در تقویت اسلام و اصلاح امور عامه مسلمین از خداوند تعالی مسألت می‌نمایم». برخی از علما هم به پیروی از ایشان، همین قبیل عبارات را داشتند.[۱]

از روحانیون، کسی عدم شرکت آیت الله بروجردی را به معنای نفی مشروعیت ورود در این قضایا نگرفت. به همین دلیل در تهران و بیشتر شهرستانها روحانیون وارد ماجرا شدند. بیشتر آنها، در واقع دعوت آیت‌الله کاشانی را لبیک گفتند. این روحانیون تا ماههای پایانی دکتر مصدق او را همراهی می‌کردند، اما در ادامه، روحانیون فعال در نهضت ملی دو دسته شدند:

الف: نخست دسته‌ای که پس از مشارکت اولیه، به تدریج جانب دکتر مصدق را گرفتند و طبعاً - و به خصوص در شهرستانها - در اقلیت بودند. در این زمینه باید از برخی از علمای تهران یاد کرد که از آن جمله اخوان (سید ابوالفضل و سید رضا) زنجان‌ی هستند. کسانی از اتحادیه مسلمین هم گرچه با احتیاط به حمایت از دکتر مصدق تا روزهای آخر ادامه دادند.

ب: دسته دوم کسانی بودند که به حمایت از آیت الله کاشانی پرداختند و به همین دلیل از در مخالفت با دکتر مصدق درآمدند. این جمع همراه کسانی که از اول داخل در این ماجرا نشدند، یعنی آیت الله بروجردی و دیگر روحانیون ساکت، بیشتر به دلیل روی کار آمدن کمونیستها، و نیز اختلافات گسترده آیت الله کاشانی با دکتر مصدق، به مخالفت با مصدق پرداختند. روحانیون اصفهان در این دسته جای دارند. کنار کشیدن آنان ضربه‌ای برای دکتر مصدق و فرصتی برای بازگشت شاه بود، هر چند آنچه برای این جماعت اهمیت داشت، نیامدن کمونیستها بود نه آمدن سلطنت. باید گفت هیئت علمیه تهران جانبدار دکتر مصدق بود. اخوان زنجان‌ی، رضوی قمی، فیروزآبادی از آن شمار بودند.

نکته دوم

آیا نهضت ملی یک نهضت دینی بود؟

طی سالهای اخیر اینچنین وانمود شده است که نهضت ملی از اساس، یک حرکت لائیک و غیر دینی بوده است. در این باره ادعا شده است که «کل نهضت ملی اساساً ماهیتی غیر مذهبی داشته است».[۲] مبنای این تحلیل آن است که روحانیت در این شرایط هنوز در یک دوره تدافعی بسر می‌برد، نه فعال بود و نه ساکت؛ چنان که این وضعیت از مواضع امام در کشف الاسرار به دست می‌آید. در این مقطع، طبقه متوسط جامعه که ده درصد فعال جمعیت شانزده میلیونی ایران بودند، بیش از آن که از رهبران روحانی حرف شنوی داشته باشند از جریان روشنفکری پیروی می‌کردند، چون سابقه تربیت آنان به دوره رضاخان باز می‌گشت و طی آن دوره، دین‌گرایی سخت مورد حمله واقع شده بود. نفوذ حزب توده هم در این جمعیت ده درصدی از همین بابت بود. با این همه، دین در بخش‌های بنیادی و زیرین جامعه استوار بوده و منتظر فرصت بود تا ظاهر شود. مسلماً حضور روحانیت در نهضت نفت به معنای «دینی» بودن آن نیست، زیرا در مشروطه هم روحانیت حضور داشت و اکنون واضح است که آن جنبش، بیش از آن که یک جنبش دینی باشد، یک جنبش عرفی بوده است. با این همه، از این زاویه که انگیزه حضور توده مردم می‌توانسته فتاوی علما و حضور روحانیون باشد، باید انصاف داد که سهم روحانیت در این ماجرا بسیار قابل توجه بوده است. این مطلب را کسی که فکرش خالی از غرض باشد نمی‌تواند انکار کند.

نکته سوم

دولت مصدق، ملی باشد یا نباشد، در ارتباط با دین، نباید از یک نکته غفلت کرد و آن این که به رغم همه دشواری‌ها، در کل، بر نفوذ روحانیت در جامعه افزوده شد. دکتر مصدق به هر دلیل، نیاز به حضور روحانیون داشت و دست کم در اوائل چنین می‌اندیشید و این سبب اعتنای او به برخی از خواسته‌های آنان شده بود.

علاوه آیت الله کاشانی با نفوذی که به دست آورده بود، زمینه را برای نفوذ بیشتر روحانیت در جامعه فراهم کرد. در بسیاری از شهرها، روحانیون، توانستند با نفوذی که به لحاظ سیاسی به دست آوردند در برخی از امور شهر مداخله کنند. یک نمونه همین آیت الله چهارسوقی در اصفهان است. البته مقصود از نفوذ روحانیت، وجهی از نفوذ دین است؛ چیزی که به هر روی در این دوره تا حدودی تقویت شد گرچه مشکلاتی هم باقی ماند. عزت الله سجایی برای نشان دادن تدین دکتر مصدق به چندین مورد استناد می‌کند. از جمله به استشهاد دکتر مصدق به حرکت امام حسین (ع) در مجلس چهاردهم. اما در باره دوران نخست وزیری وی می‌نویسد:

[دکتر مصدق] در زمینه اجرای منویات مذهبی و تعمیق هویت دینی، اقداماتی انجام داد که می‌توان به نمونه‌هایی از آن اشاره کرد. در چهارده خرداد ۱۳۳۰ بخشنامه‌ای در باره رعایت مقررات مذهبی در ماه مبارک رمضان صادر کرد که در روزنامه اطلاعات همان روز چاپ شده است. همچنین در امر عزیمت حجاج به مکه معظمه دولت اقداماتی انجام داد که مورد تشکر عالمان دینی قرار گرفت. از جمله آیت الله چهارسوقی اصفهانی طی نامه‌ای که برای جراید از جمله روزنامه اطلاعات فرستاد، از دولت به واسطه توجهی که به امر زائران مکه معظمه به عمل آورده، تشکر و سپاسگزاری کرد. همچنین از همین سال، یعنی سال ۱۳۳۰ روز وفات امام جعفر صادق (ع) تعطیل رسمی اعلام شد. علما بیانیه‌هایی صادر و تشکر کردند و در جراید چاپ شده است. از جمله مرحوم آقا شیخ بهاء‌الدین صدوقی همدانی در این ارتباط تشکر کرد که در روزنامه اطلاعات ششم مرداد ۱۳۳۰ چاپ شده است. در ۲۳ مرداد قانون منع پیاله فروشی را لازم‌الاجراء کرد. یعنی از این تاریخ دیگر امکان پیاله فروشی نبود. دکتر مصدق با استفاده از اختیارات خود، قانونی را تصویب کرد به این شرح که «دولت مکلف است از تاریخ تصویب این قانون به فاصله شش ماه ورود و تهیه و خرید و مصرف کلیه نوشابه‌های الکلی و همچنین تهیه و خرید لول تریاک و مشتقات آن و نیز کشت خشخاش را از سال ۱۳۳۳ به بعد در سراسر کشور ممنوع سازد به استثنای مصارف طبیبی و صنعتی.» [۳] ایشان طی صفحات بعد هم شواهد دیگری برای همراهی متقابل دکتر مصدق و عالمان دینی این دوره دارد و در نهایت می‌نویسد: دوره دکتر مصدق اوج حضور عالمان دینی در امور سیاسی و اجتماعی به شیوه غیر ابزاری است. [۴] جمله اخیر او طعنه بر چیز دیگری است. اما به هر روی به نفوذ سنتی که روحانیت در توده‌ها داشت در این دوره، در سطح سیاسی هم مداخلاتی می‌کرد. تشکیل فراکسیون روحانیت در مجلس هفدهم یکی از مهم‌ترین شواهد این امر است. می‌دانیم که قانون منع مسکرات از زمان طرح آن در زمان رزم آراء و حتی پیش از آن تا زمان مصدق دچار چه فراز و نشیب‌هایی شد، و چه اندازه علما تلاش کردند و چه تشکلهایی برای تصویب آن به راه افتاد، اما هر چه هست، می‌توان گفت که در این دوره، به عنصر تدین در جامعه، توجه ویژه صورت گرفته که قابل قیاس با دوره پیش و بعد از آن نیست. این که مصدق اینها را در سایه فشار علما و به خصوص وجود آیت الله کاشانی انجام می‌داد، نکته‌ای است که نباید از چشم‌ها دور بماند. همان ماه رمضان که آقای سحابی از آن سخن می‌گوید، همزمان، آیت الله کاشانی و آیت الله سید محمد بهبهانی هم اطلاعیه دادند. [۵]

بعدها هم در دفاعیات دکتر مصدق در زمینه پایین کشیدن مجسمه رضاشاه طی روزهای ۲۶ و ۲۷ مرداد مطالبی هست که وی به هر انگیزه روی دیدگاه منسوب به شرع در باره مجسمه سازی تکیه می‌کند. او در برابر رئیس دادگاه که تلاش می‌کرد وی را به خاطر تخریب مجسمه‌ها در آخرین روزهای دولتش مورد بازخواست قرار دهد گفت: شخص بنده به هیچ وجه عقیده به مجسمه نداشته‌ام و مجسمه در قانون شرع ما حرام است... صاف و صریح عرض می‌کنم که من با مجسمه نه فقط از این نظر که خلاف مذهب است و من فرد مسلمانی هستم که باید تبعیت از مذهب خود بکنم بلکه شخص خودم به هیچ وجه من الوجوه به مجسمه عقیده نداشته‌م... و خدا را شهادت می‌گیرم که من به مجسمه نه عقیده دارم و نه آن را موافق شرع می‌دانم. [۶]

نکته چهارم

در باره این موضوع، یعنی نقش روحانیت، علاوه بر کارهای گسترده‌ای که در باره شخص آیت الله کاشانی صورت گرفته است، به طور خاص چند مطلب منتشر شده است:

یکی مقاله نقش روحانیت در صحنه سیاسی ایران ۱۹۵۴ - ۱۹۴۹ از شاهرخ اخوی است که در کتاب مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی (تهران، ۱۳۷۲) صص ۱۴۶ - ۱۹۰ به چاپ رسیده و منهای تحلیل‌ها و موضعگیری‌ها مؤلف، گوشه‌هایی از مشارکت و مواضع علما را در نهضت ملی شدن نفت و نیز در برابر دکتر مصدق نشان داده است.

گفتار دیگری از عزت الله سحابی است که در کتاب مصدق دولت ملی و کودتا، صص ۴۰۱ - ۴۱۷ تحت عنوان دین و عالمان دینی در اندیشه و کردار دکتر مصدق چاپ شده است.

متن دیگر از محمد بسته نگار است که در کتاب مصدق و حاکمیت ملت (تهران، قلم، ۱۳۸۲) صص ۹۳۵ - ۹۵۶ آورده و طی آن اعلامیه‌ها و فتاوی و بیانیه‌های جمعی از علما و روحانیون و مجامع مذهبی را در دفاع از ملی شدن صنعت نفت و دکتر مصدق عینا درج کرده است. از آن جمله فتاوی علمای بزرگ اصفهان در این باره است. وی برخی از این اطلاعیه‌ها را از کتاب نقدی بر مصدق و نبرد قدرت (از ترکمان در نقد کاتوزیان) نقل کرده است.

یک خاندان برجسته علمی در اصفهان [۷]

یکی از برجسته‌ترین مفاخر علمی - دینی اصفهان در نیمه دوم قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری، مرحوم آیت الله العظمی میرزا سید محمد باقر چهارسوقی - اعلی الله مقامه - است که به مناسبت تألیف اثر سترگ و ارجمند روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات با عنوان صاحب روضات و خاندانش با لقب روضاتی و روضاتیان شهرت یافتند. این خاندان علم و تقوا، یکی از درازدامن‌ترین خاندان‌های روحانی جهان تشیع است که از زمان جد اعلایشان مرحوم میر ابوالقاسم کبیر تا روزگار ما، همواره چهره‌های برجسته‌ای از آنان، در کسوت روحانیت به هدایت مردم از یک سو و حفظ علم و دانش دین از سوی دیگر، اشتغال داشته‌اند.

نیای اعلای خاندان حاج میر ابوالقاسم (جعفر) مشهور به میر کبیر (تولد روز یکشنبه اربعین سال ۱۰۹۰ - وفات ۲۳ ذی قعدة ۱۱۵۸) فرزند سید حسین بن سید قاسم بن سید محب الله است. نسب آنان در نهایت به جناب سید عبدالله فرزند حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می‌رسد.

حاج میر ابوالقاسم از شاگردان علامه مجلسی (م ۱۱۱۰) و آقا جمال خوانساری (م ۱۱۲۲) بوده و از وی آثار و کتاب‌هایی بر جای مانده که معروف‌ترین آنها کتاب مناہج المعارف در اصول عقاید است. رساله در حج، کتاب زکات و چندین رساله و کتاب دیگر در فهرست تألیفات ایشان یاد شده است. [۸] وی در بحبوحه فتنه افغان در سال ۱۱۳۴ - ۱۱۳۵ اصفهان را به مقصد خوانسار ترک کرد و در آنجا رحل اقامت افکند. اصل آنها هم گلپایگانی بوده گرچه خود میر ابوالقاسم در اصفهان متولد شده بوده است. میر ابوالقاسم در قودجان [۹] گلپایگان، در سر راه خوانسار و جایی که در آن می‌زیست، درگذشت و پس از آن قبرش به صورت مزار عمومی درآمد. زان پس، فرزندان وی تا مدتی در خوانسار زندگی می‌کردند و به همین دلیل در یک دوره به خوانساری شهرت یافتند.

حاج سید حسین فرزند میر ابوالقاسم، در شمار علما و فقها بود و روز یکشنبه هشتم ماه رجب ۱۱۹۲ درگذشت. آن بزرگوار از مشایخ اجازه سید بحر العلوم (۱۱۵۵ - ۱۲۱۲) و میرزای قمی (۱۱۵۲ - ۱۲۳۱) علیهما الرحمه است.

میر سید ابوالقاسم (جعفر) فرزند حاج سید حسین در سال ۱۱۶۳ به دنیا آمد و در ماه رمضان سال ۱۲۴۰ درگذشت. [۱۰]

حاج میرزا زین العابدین مجتهد زاهد جلیل فرزند میر سید ابوالقاسم در هشتم ذی قعدة ۱۱۹۰ به دنیا آمد و در نهم جمادی الاخره ۱۲۷۵ درگذشت. از وی نیز آثاری برجای مانده است که از آن جمله شرح زبده شیخ بهایی در اصول فقه است. [۱۱]

این خاندان تا زمان میرزا زین العابدین که پدر مرحوم آقا میرزا سید محمد باقر صاحب کتاب روضات الجنات است، از مهاجرین اصفهان به خوانسار بودند که مدتی را در این دیار بسر برده بودند. از این زمان، مرحوم میرزا زین العابدین همراه فرزندان - بجز میرزا محمد جواد خوانساری - به اصفهان بازگشت و در محله چهارسوقی شیرازی‌ها سکونت گزید. به همین مناسبت، اعقاب ایشان به چهارسوقی شهرت یافتند و در چندین مسجد که به نام افرادی از این خاندان و در همان حوالی است، به اقامه جماعت پرداخته به هدایت مردم مشغول گشتند.

برجسته‌ترین فرزند حاج میرزا زین العابدین، مرحوم آیت الله میرزا سید محمد باقر چهارسوقی (۱۲۲۶ - ۱۳۱۳) صاحب روضات است که فقیهی برجسته و عالمی بزرگوار بود. وی با تألیف کتاب روضات الجنات نام این خاندان را در تاریخ شیعه جاودانه کرده و پس از وی اعقابش به روضاتی و روضاتیان شهرت یافتند. شرح حال مبسوط ایشان را مرحوم معلم حبیب‌آبادی در کتاب ارجمند مکارم الاثار [۱۲] و استاد حاج سید محمدعلی روضاتی در زندگانی آیت الله چهارسوقی (صص ۸۲ - ۹۶) آورده‌اند. افزون بر آن استاد جلال‌الدین همایی هم در شرح بقعه آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی یعنی صاحب روضات، در کتاب تاریخ اصفهان خود به تفصیل در باره ایشان، سنگ قبر ایشان و دیگر مدفونین بقعه مذکور سخن گفته‌اند. [۱۳]

مرحوم آقای آخوند ملاعبدالکریم مجتهد جزئی اصفهانی (متوفی ۱۳۳۹): دانشمندان اصفهان، از مصلح الدین مهدوی، ش ۷۲۰) که حدود نیم قرن عصر آن بزرگوار را دریافته است، در کتاب تذکره القبور، ص ۶۰ (چاپ اول) در حق ایشان می‌گوید: « و این بزرگوار از رؤساء علمای اصفهان، بلکه سید العلماء مطلق و در احترام مقدم بر کل ...».

بیفزاییم که هم این گونه بوده است اوضاع و احوال نیاکان و اولاد واعقاب آن جناب. ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء. فرزند دیگر حاج میرزا زین العابدین، مرحوم آقا میرزا محمد هاشم (۱۲۳۵ - ۱۳۱۸) است که از علمای برجسته و مرجع تقلید بوده و آثار فقهی و اصولی مهمی مانند اصول آل الرسول، مبانی الاصول، احکام الایمان و چندین رساله فقهی و اصولی دیگر دارد. [۱۴]

صاحب روضات که خاندان روضاتی به نام ایشان و به دلیل شهرت کتاب روضات الجنات بدان شهرت دارند، دارای چندین

فرزند عالم و روحاني بودند که عبارتند از:

۱. آقا میرزا محمد مهدي (متولد ۱۲۵۱ - ۱۳۲۴)

۲. آقا میرزا محمد مسیح (۲۷ شوال ۱۲۵۵ - شب عرفه نهم ذي حجه ۱۳۲۵) [۱۵]

۳. آقا میرزا احمد (۱۳۴۳ - ۱۳۴۱) ایشان آثاري مانند حاشیه بر شرایع الاسلام و حاشیه‌اي بر شرح لمعه دارند. [۱۶] دو فرزند ایشان آقا میرزا محمد حسن (۱۲۹۸ - ۱۳۸۰) و حاج میرزا محمد حسین ملاذ روضاتي (۱۳۰۲ - ۱۳۸۲) در زمره علما بوده‌اند.

۴. آقا میرزا عطاء الله (۱۳۳۵ - ۱۳۶۶) [۱۷]

۵. آقا میرزا هدایت الله (۱۳۷۱ - ۱۳۴۵) [۱۸]

۶. آقا میرزا محمد حسین (۱۳۷۵ - ۱۳۵۲) [۱۹]

۷. آقا میرزا مجتبی (متولد ۲۳ شعبان ۱۳۰۲) [۲۰]

مرحوم آیت الله میرزا مسیح چهارسوقي (۱۲۵۵ - ۱۳۲۵) دومین فرزند صاحب روضات است که خود از علمای بزرگ شهر اصفهان به شمار می‌آمده است. [۲۱] فرزند برجسته و برومند ایشان حضرت آیت الله حاج میرزا سید حسن چهارسوقي از عالمان بنام اصفهان است که حدود نیم قرن به عنوان روحاني برجسته این شهر به رتق و فتق امور مردم مسلمان اصفهان اشتغال داشت و بخش زیادی از اسناد ارائه شده در این مجموعه به ایشان مربوط می‌شود.

فرزند دیگر آقا میرزا مسیح، میرزا جلال الدین چهارسوبي (۱۲۸۳ - ۱۳۶۰) هم از علمای اصفهان [۲۲] و صاحب هفت فرزند بود که یکی از آنان مرحوم میرزا سید محمد هاشم چهارسوقي (متولد ۱۵ محرم الحرام سال ۱۳۱۹ ق) پدر ایستاد ارجمند ما آیت الله حاج سید محمدعلی روضاتي - دامت برکاته - است. مرحوم میرزا سید محمد هاشم (داماد عم گرامیش آیت الله آقا میرزا حسن چهارسوقي) در جوانی و چهار سال پیش از درگذشت پدرش، به تاریخ ۲۷ جمادی الاولی سال ۱۳۵۶ ق در شط کوفه غرق شد. شرح حال مفصل وی را فرزند گرامی‌شان، در کتاب زندگانی حضرت آیت الله چهارسوقي (صص ۱۰۵ - ۱۱۱) نوشته‌اند. حضرت سیدنا الاستاد آیت الله حاج سید محمدعلی روضاتي، تنها فرزند آن بزرگوار، در کنف حمایت جد مادری خویش مرحوم آیت الله حاج میرزا سید حسن چهارسوقي پرورش یافت. مادر ایشان نیز، تنها فرزند مرحوم آقا میرزا سید حسن چهارسوقي بودند. شرح حال آیت الله حاج سید میرزا حسن چهارسوقي نام اصلی آن بزرگوار میرزا ابوالحسن علی است که به میرزا سید حسن چهارسوقي شهرت یافته‌اند. نسب شریفش هم به اجمال چنین است:

میرزا سید حسن بن میرزا مسیح، بن میرمحمد باقر بن میرزا زین العابدین بن میر سید ابوالقاسم بن سید حسین بن میرابوالقاسم کبیر.

آیت الله چهارسوقي از شاگردان مرحوم آیت الله درجه‌ای بوده و یک دوره تقریرات درس اصول ایشان را تدوین کرده است. به علاوه کتابی هم با عنوان جامع الدرر نگاشته که در آن، از هر علم و فنی، مطالبی درج کرده است.

آیت الله چهارسوقي از زمان درگذشت پدرش به این سوی، ابتدا در محدوده چهارسو و به مرور در شهر اصفهان به صورت ملجأ خاص و عام درآمد و طی مدت نیم قرن، افزون بر اقامه جماعت، به رسیدگی به امور مردم و حل و فصل دشواری‌های مراجعین می‌پرداخت. این موقعیت که بر اساس یک سنت تاریخی به ادوار گذشته باز می‌گردد، چنان بود که روحانی مجتهد شهر، افزون بر آن که به اداره امور شرعی می‌پرداخت و کار احکام و اسناد شرعی و فصل دعاوی و غیره را به انجام می‌رساند، حد فاصلی هم در میان حکومت و مردم به شمار می‌رفت. طبعاً بسته به نوع و اندازه مناسبات علما با حکومت نقش آنان در این باره شکل می‌گرفت. بسیاری از نیازمندان برای رفع نیاز خویش به ایشان مراجعه می‌کردند؛ بیکاران برای یافتن کار، مسکینان برای به دست آوردن نان، و کسانی که در حل و فصل کارهای اداری خود دشواری داشتند، برای وساطت به خانه ایشان مراجعه می‌کردند. بخشی از این قبیل مطالب را در اسنادی

که در پی خواهد آمد، مرور خواهیم کرد. روشن است که اداره این قبیل امور و در واقع پاسخ دادن به نامه‌ها و درخواستها، یک دستگاه مفصل اداری را می‌طلبد. با این حال مرحوم آقای چهارسوقی تمامی این کارها را انجام داده و در این باره برخی از روحانیون شهر هم با وی همکاری و همراهی داشتند.

آیت الله چهارسوقی بنیانگذار و رئیس هیئت علمیه اصفهان بود که شرح آن را خواهیم آورد.

جامع‌ترین شرح حال برای آیت الله میرزا سید حسن چهارسوقی که در ضمن روشنگر نقش ایشان و هیئت علمیه اصفهان در مسائل سیاسی دو دهه بیست و سی می‌باشد، در کتاب ارجمند زندگانی حضرت آیت الله چهارسوقی (اصفهان، ۱۳۳۲ ش، ۲۴۴ ص) از استاد معظم حضرت آیت الله حاج سید محمد علی روضاتی آمده است. این کتاب، علاوه بر آن حاوی شرح حال شمار زیادی از عالمان بنام معاصر ایشان در ایران و عتبات می‌باشد. طبعاً تکرار آن مطالب در اینجا ثمری نخواهد داشت و لازم است تا آن اثر با اضافات استاد بار دیگر به دست چاپ سپرده شده در اختیار علاقمندان قرار گیرد.

آیت الله چهارسوقی در نیمه شب پنج شنبه سیزدهم جمادلی الاولی ۱۳۷۷ قمری مطابق با ۱۴ آذرماه ۱۳۳۶ ش درگذشت و اصفهان در سوگ این عالم ربانی یکپارچه عزادار شد. در یادنامه‌ای که برای آن مرحوم انتشار یافت آمده است که پس از تشییع ایشان در اصفهان، جنازه به قم انتقال یافت و پس از تشییع، حضرت آیت الله العظمی بروجردی بر ایشان نماز گزارده، سپس جنازه به عتبات انتقال و در کنار عم بزرگوارش مرحوم آیت الله میرزا هاشم چهارسوقی به خاک سپرده شد.

شماری از شعرای اصفهان از جمله میرزا جلال الدین همایمی، میرزا حبیب الله نیر، معلم حبیب آبادی و فضل الله اعتمادی، سید فخرالدین روضاتی و ... به مناسبت رحلت آن بزرگوار اشعاری سرودند که برخی از آنها در همان یادنامه به چاپ رسیده است.

مروری بر فعالیت‌های دومین هیئت علمیه اصفهان

در جریان جنبش مشروطه خواهی که از هر گوشه‌ای «انجمن» و «هیئت» توسط گروه‌های مختلف پدید می‌آمد، روحانیون برخی از شهرها نیز به تشکیل انجمن مقدس ملی یا هیئت علمیه دست زدند. در اصفهان حاج آقا نورالله اصفهانی (م ۱۳۰۶) - برادر آقای نجفی و هر دو از رهبران مشروطه اصفهان - هیئت علمیه را تأسیس کرده خود ریاست آن را داشت. [۲۳] طبعاً پس از حاج آقا نورالله و مسائل دوره رضاخان و از هم پاشیدگی اوضاع روحانیت، این هیئت‌ها از میان رفت.

با سقوط پهلوی اول، بار دیگر هیئت علمیه اصفهان با تلاش آیت الله سید حسن چهارسوقی (۱۲۵۶-۱۴ آذر ۱۳۳۶ ش) و جمعی دیگر از علمای اصفهان شکل گرفت.

استاد ارجمند ما حضرت آیت الله حاج سید محمد علی روضاتی که خود در جوانی در جلسات هیئت علمیه اصفهان شرکت داشته و تا مدت‌ها دفتر و مهر آن در اختیار ایشان بوده، گزارشی از تأسیس هیئت علمیه اصفهان را در سال ۱۳۲۰ ش به دست داده‌اند.

طبق نوشته ایشان «اعضای اصلی این هیئت بیش از پنجاه نفر می‌باشند که برخی از آنان عبارتند از:

حاج میرزا حسن چهارسوقی،

حاج سید عبدالله ثقة الاسلام مدرس صادقی،

حاج شیخ مهدی نجفی،

حاج میرزا محمد حسین ملاذ روضاتی،

حاج میرزا ابوالحسن توپسرکانی،

حاج سید شمس الدین خادمی،

حاج آقا حسین خادمی،

حاج سید عبدالحسین طیب،

حاج آقا مصطفی سید العزاقین،

حاج آقا مهدی سید العزاقین،

حاج میرزا علی اصفهانی واعظ،

حاج شیخ مرتضی اردکانی،

حاج شیخ محمد رضا صالحی،

حاج علم الهدی شیرازی.

استاد روضاتی در سال ۱۳۳۲ ش، یعنی زمانی که هنوز هیئت فعالانه در تحولات ملی شدن صنعت نفت درگیر بوده است، می‌نویسد: این هیئت از بدو تأسیس تا حال، با وجود ضدیت‌های مخالفین آن خدمات شایانی به اهالی اصفهان نموده که از هر حیث موجب افتخار و قدردانی است. [۲۴]

در شرایط پس از شهریور بیست، دولت جدید می‌کوشید تا سیاست‌های گذشته را تا اندازه‌ای جبران کند. لذا نه تنها از فعالیت‌های مذهبی و تشکیل این قبیل هیئت‌های علمیه ممانعت نکرد بلکه گاه برای مقابله با کمونیست‌ها از آنها حمایت نیز می‌کرد. [۲۵]

کارهای هیئت را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف: دخالت در ملی شدن صنعت نفت:

هیئت علمیه اصفهان با مسؤولیت و محوریت آیت الله چهارسوقی نقش فعالی در هدایت جریان‌های مذهبی - سیاسی اصفهان و به خصوص ملی شدن صنعت نفت داشت. دلیل عمده ورود این جماعت در سیاست، حضور آیت الله کاشانی بود؛ اما بلافاصله آنان در ارتباط با دکتر مصدق هم قرار گرفته و در تمام مدتی که مسائل مهم سیاسی در جریان بود، هیئت علمیه اصفهان، نقش خود را به عنوان حامی دولت مصدق و آیت الله کاشانی ایفا کرد.

صدور فتوای به لزوم ملی شدن نفت از سوی علمای اصفهان

یکی از مهم‌ترین قدم‌هایی که برداشته شد، صدور فتاوی ملی شدن نفت بود. این کاری بود که آیت الله بروجردی انجام نداد، اما هیئت علمیه اصفهان که هیئتی سیاسی بود، در این کار مداخله کرده و منتظر دستور و موضع‌گیری آیت الله بروجردی نشد. همان‌گونه که اشاره شد، هیئت علمیه اصفهان در این زمینه از مواضع آیت الله کاشانی پیروی می‌کرد، و فتوایی هم که علمای اصفهان دادند، پس از آن بود که آقای کاشانی از آنان خواست تا در این باره مطلبی بنویسند.

ابتدا یک پرسش چند سطرآمده که از آنها خواسته شده بود که تا نظر خود را در باره ملی شدن صنعت نفت بیان کنند.

در ابتدای جواب آیت الله چهارسوقی آمده است: جواب آیت الله حضرت آقای میرزا سید حسن چهارسوقی که تفأل به کلام الله مجید عین آیه را هم در جواب به دستخط شریف مرقوم فرموده‌اند، درج می‌شود:

متن فتوای ملی شدن نفت از آیت الله چهارسوقی

هو

قال الله الحكيم في كتابه الكريم، أعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم:

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَ فِي هَذَا لِيُكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ [٢٦]

حرمت تسليط اجانب و كفار بر مسلمين و اموال و نفوس و اعراض و نواميس آنها، از بدبقيات و مسلمات اوليه و جاي هيچ شبهه و ترديد نيست: وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً [٢٧].

به حكم عقل قاطع و شرع مطاع، بر هر ذي حقي واجب و لازم و متحتم است در حدود قدرت و توانايي حفظ حق مشروع خود را بنمايد و از تعرض و مزاحمت غير به تمام قوا دفاع و جلوگيري نمايد. و اگر عدوانا احدي دست اندازي و تصرف غاصبانه نسبت به حق مشروع ديگري نموده باشد، بر صاحب حق لازم است به وسائل مقتضيه احقاق حق مغضوبه خود را نموده از يد غاصب انتزاع کند. ضرر کشيدن مثل ضرر زدن به غير حرام است.

در اين موضوع پيروي از حكم مطاع و فرمايش متبع حضرت آيت الله كاشاني دامت برکاته لازم است. با فرط استحقاقی که خود ملت ايران در اين موقع که اين طور گرفتار فقر و فاقه و پريشاني هستند و دارند هيچ منصفی نمی گوید که مایه حیات و زندگانی آنها را ديگري ببرد. چراغی که به خانه رواست به بيگانه حرام است. و فرقي نيست در اين جهت بين دولت و ملت همه در نفع و ضرر شرکت دارند. بلکه دولت بيشتتر لازم است جدیت در قطع يد اجانب و بيگانگان از حقوق مسلمة و مشروعه ملت خود نموده، اموال و حقوق مغضوبه مسلمين را از ايادي غاصبين انتزاع و به ذوی الحقوق تسليم نمايد. و السلام علي من اتبع الهدی.

حرره الاحقر ميرزا سيد حسن چهارسوقي.

مهر: الواثق بالله الغني محمد حسن بن مسيح الموسوي. [٢٨]

پاسخهاي ديگر از اين حضرات است: آيات الله: خادمي، حاج شيخ مهدي نجفي، حاج شيخ مرتضي مدرس اردكاني، حاج سيد مصطفي سيدالعراقيين. [٢٩]

اطلاعيه هيئت علميه اصفهان در لزوم مجازات عاملين كشتار سي تير

مشاركت در صدور اطلاعيه و بيانیه در حمايت از دولت دكتر مصدق و آيت الله كاشاني ادامه يافت تا آن که ماجرای سي ام تير ۱۳۳۱ رخ داد. در اصفهان نیز تظاهرات بود و حتي كسانی آسیب دیدند. در اين باره علاوه بر جلسه مفصلي که به عنوان مجلس ختم در مدرسه صدر و مدرسه سلطاني (چهارباغ) «به پيروي از منويات حضرت آيت الله العظمي آقاي كاشاني» برگزار شد، هيئت علميه اصفهان اين اطلاعيه را صادر کرد:

به عموم ستمديدگان اهالي اصفهان اعلان مي شود:

كسانی که در حادثه هائله اين چند روزه در اثر تجاوزات غير مشروعه مأمورين انتظامي مقتول و مفقود و مجروح شده اند، به فوريت به اسم و رسم و مشخصات و هويت و شناسنامه آنها را به دفتر روزنامه طوفان در خيابان شيخ بهايي صورت بدهيد تا از طرف هيأت علميه تعقيب شود و مرتكبين به مجازات برسند.

ميرزا حسن چهارسوقي

حسين الموسوي خادمي [٣٠]

ارتباط با سران نهضت

آيت الله چهارسوقي بنا به نقشي که در هدايت مذهبي - سياسي اصفهان بر عهده داشت، با سران نهضت ارتباطهاي مستمري داشته و مرتب ميان آنان تلگرافات رد و بدل مي شد. طبعاً بخشي از اين ارتباطها با آيت الله كاشاني و بخشي ديگر با دكتر محمد مصدق بود.

تعداد فراواني از نامه ها و تلگرافات رد و بدل شده بر جاي مانده و به چاپ رسيده است.

به علاوه، بسیاری از پیام‌هایی که آیت الله کاشانی یا دکتر مصدق برای مردم اصفهان داشتند، بنا به رسم پیشین، توسط آیت الله چهارسوقی ابلاغ می‌شد.

در اینجا فهرستی از این نامه‌ها و تلگرافات را با موضوع آنها به دست می‌دهیم:

مکاتبات با آیت الله کاشانی
استاد روضاتی (در همان زمان) مرقوم فرموده‌اند: آیت الله کاشانی: حضرت آیت الله حاج سید ابوالقاسم - دامت برکات و جوده الشریف - که در اثر اقدامات مجدانه خود عالم تشیع بلکه اسلام و ممالک اسلامی را سربلند و مفتخر فرموده، مرتباً هر هفته دو سه بار با آقای آیت الله چهارسوقی مکاتبه می‌فرماید و کلیه آن تعلیقات مشحون از تقدیر و تشکر نسبت به خدمات و اقدامات آقای آیت الله چهارسوقی است. در یکی از این نامه‌ها نوشته‌اند:

بسم الله الرحمن الرحيم: ان شاء الله تعالی وجود مسعود عالی قرین سلامت است. تلوّاً از احساسات پاک و خداپسندانه حضرت عالی خیلی متشکرم. یا لیت که همه اهل علم ناسی به حضرت عالی می‌نمودند و خود را از و وظیفه الهیه و جامعه ملت دور نمی‌نمودند. متحیرم که چرا در مقابل کفار، روحانیین سکوت اختیار نموده‌اند. [۳۱]

اما فهرست برخی نامه‌ها متبادله

۱. نامه آیت الله کاشانی به آیت الله چهارسوقی در باره ملی شدن نفت مورخه ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۷۰. ۲۹ دی ماه ۱۳۲۹ مجموعه‌ای از مکتوبات و... آیت الله کاشانی: ۱۱۶.۵ - ۱۱۷، متن تصویری آن در خاندان روضاتیان، ص ۲۹۴

۲. نامه آیت الله کاشانی به آیت الله چهارسوقی در تشکر از ایشان به خاطر حمایت از فعالیت‌های شیخ عباسعلی اسلامی مجموعه‌ای از مکتوبات و... آیت الله کاشانی: ۱۳۳.۵، خاندان روضاتیان، ص ۲۹۲

۳. پاسخ آیت الله کاشانی به نامه آقای چهارسوقی مجموعه‌ای از...: ۱۳۴.۵

۴. درخواست آیت الله کاشانی برای استقبال از سید مهدی امامی که به اصفهان می‌روند، مجموعه‌ای از...: ۱۴۰.۵

۵. پاسخ آیت الله کاشانی به درخواست آیت الله چهارسوقی و ابراز این که برای انجام اقدامات به وزارت کشور فرستاده شده است، (اسفند، ۱۳۳۱) مجموعه‌ای از...: ۱۴۷.۵

۶. توصیه آیت الله کاشانی به مردم اصفهان وسیله حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا سید حسن روضاتی چهارسوقی (اسفند ماه ۱۳۳۰) مجموعه‌ای از مکتوبات و... آیت الله کاشانی: ۱۵۴.۲ - ۱۵۳

۷. نامه آیت الله کاشانی به مردم اصفهان در باره انتخابات مجلس هفدهم، (اسفند ۱۳۳۰) مجموعه‌ای از...: ۱۶۶.۵ - ۱۶۷، خاندان روضاتیان، ص ۲۹۶

۸. تلگراف تشکر آیت الله کاشانی از آیت الله چهارسوقی، مجموعه‌ای از...: ۱۸۰.۵ - ۱۸۱

۹. نامه آیت الله کاشانی به حجت‌الاسلام حاج میرزا سید حسن چهارسوقی (۳۱.۳.۱۱):

خدمت حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا سید حسن مجتهد چهارسوقی دامت برکاته، به عرض می‌رساند:

پس از سلام و استعلام از سلامت مزاج شریف زحمت می‌دهد، از اصفهان اخیراً شکایاتی می‌رسد که عده‌ای از کارگران و اوپاش محل مزاحم نوامیس مردم شده و هر روز عده‌ای از دختران دچار شهوترانی و عیاشی اشخاص تبهکار، کارگران و صاحبان کارخانه قرار می‌گیرند.

شرحی به جناب آقای استاندار نوشته‌ام و اقتضا دارد که حضرتعالی و سایر آقایان علمای اعلام در این مورد توجه

مخصوص مبذول فرمایند و به وسائل مقتضی از این گونه حوادث جلوگیری و آسایش مردم تأمین گردد و بدیهی است که باید مأمورین محل را هم متوجه ساخته و از آنها جدا خواسته شود که کمال مراقبت و جدیت را معمول دارند پیوسته مترصد بشارت سلامت و ملتسم دعا هستم، مجموعه‌ای از...: ۱۸۴.۵، خاندان روضاتیان، ص ۲۹۵

۱۰. تلگراف آیت الله کاشانی به آیت الله چهارسوقی به مناسبت پیروزی مردم در سی تیر، مجموعه‌ای از...: ۱۹۰.۵

۱۱. نامه آیت الله چهارسوقی و پاسخ آقای کاشانی در باره سرهنگ خلیل‌پور، مجموعه‌ای از...: ۱۹۲.۵

۱۲. نامه تشکر آیت الله کاشانی از آیت الله چهارسوقی (۱۳۳۱.۷.۱۰)، مجموعه‌ای از...: ۲۰۶.۵ (گویا در پاسخ نامه‌ای از آقای چهارسوقی برای بازگشت آیت الله کاشانی از سفر حج).

۱۳. نامه آیت الله کاشانی به آیت الله چهارسوقی و سایر حجج اسلام اصفهان، مجموعه‌ای از...: ۲۱۲.۵

۱۴. نامه آیت الله کاشانی به آیت الله چهارسوقی برای لزوم تشکیل انجمنی برای کمک به مستمندان، مجموعه‌ای از...: ۲۲۹.۵

۱۵. نامه آیت الله زاده کاشانی به آیت الله چهارسوقی در باره سروان جواد صادقی، مجموعه‌ای از...: ۲۴۸.۵ - ۲۴۹

۱۶. تلگراف آیت الله کاشانی به آیت الله چهارسوقی دایر بر این که آقای شهشانی می‌آیند و مطالب را خواهند گفت، مجموعه‌ای از...: ۲۵۲.۵

مکاتبات آیت الله چهارسوقی با دکتر مصدق

۱۷. نامه تشکر دکتر مصدق به آیت الله چهارسوقی، نامه‌های دکتر مصدق، ص ۱۷۶

۱۸. نامه دکتر مصدق به آیت الله چهارسوقی در باره مسأله حج:

۳۰.۵.۱۰

به عرض می‌رساند:

مرقومه محترم عز وصول بخشید و اظهار لطف عالی موجب نهایت امتنان و تشکر گردید. امید است همواره برکات انقباس و افاضات عالی روحانیت ممد اصلاحات و ترقیات کامل ملک و ملت باشد. در باب وجوهی که از حجاج بیت الله اخذ می‌شود وزارت امور خارجه مشغول مطالعه بوده و به نحو مقتضی ترتیب اینکار داده خواهد شد و عجالاً هم که به واسطه بروز امراض وبا و طاعون عزیمت حجاج ممنوع گردیده است. نامه‌های دکتر مصدق، ص ۱۸۳، خاندان روضاتیان، ص ۲۸۶

۱۹. نامه دکتر مصدق به علمای اصفهان توسط آیت الله چهارسوقی، نامه‌های دکتر مصدق، ص ۱۸۶

۲۰. جواب دکتر مصدق به تلگراف حجج اسلام اصفهان توسط آیت الله چهارسوقی، نامه‌های دکتر مصدق، ص ۱۸۷

۲۱. نامه دکتر مصدق در پاسخ نامه آیت الله چهارسوقی، نامه‌های دکتر مصدق، ص ۱۸۹

۲۲. رونوشت نامه دکتر مصدق به وزارت جنگ جهت آیت الله چهارسوقی، نامه‌های دکتر مصدق، ص ۱۹۰

۲۳. پاسخ دکتر مصدق به نامه آیت الله چهارسوقی، نامه‌های دکتر مصدق، ص ۱۹۵، خاندان روضاتیان، ص ۲۸۸

۲۴. تلگراف دکتر مصدق به آیت الله چهارسوقی، نامه‌های دکتر مصدق، ص ۱۹۹

۲۵. تلگراف دکتر مصدق به آیت الله چهارسوقی، نامه‌های دکتر مصدق، ص ۲۱۲

۲۶. تلگراف دکتر مصدق به آیت الله چهارسوقی، نامه‌های دکتر مصدق، ص ۲۱۴

۲۷. جواب دکتر مصدق به مکتوب آیت الله چهارسوقی، در باره حج:

۱۳۳۱.۵.۲۱

عرض می‌شود: پاسخ نامه مورخ ۳۱.۵.۹ در مورد مسافرت به حج، با مشکلات زیادی که نسبت به ارز موجود بود، ترتیبی داده شد که عده زیادی امسال مشرف خواهند شد. نامه‌های دکتر مصدق، ص ۲۱۶

۲۸. نامه دکتر سید حسین فاطمی به آیت الله چهارسوقی در باره حمله جنازه آیت الله نجفی به عتبات، خاندان روضاتیان، ص ۲۷۸

۲۹. نامه دکتر مصدق به علمای اصفهان:

توسط حضرت آیت الله آقای چهارسوقی حضرات آقایان حجج اسلام دامت برکاتهم.

به زیارت تلگراف آقایان برخوردار شدم و امیدوارم خداوند توفیق انجام خدمتی را که روحانیون محترم و طبقات دیگر کشور به اینجانب محول فرموده‌اند، عنایت فرماید و با ضعف مزاج و بنیه که دارم بتوانم این خدمت خطیر را به پایان برسانم. (خاندان روضاتیان، ص ۲۷۹)

۳۰. نامه دکتر مصدق به مردم اصفهان به توسط آیت الله چهارسوقی:

بوسیله حضرت آیت الله آقای چهارسوقی، خدمت حضرات آیات الله عظام ادامه الله بقائهم، بیانیه حضرات آقایان عظام که به تقویت و تأیید از دولت صادر فرموده‌اند، زیارت و موجب کمال تشکر و امتنان گردید. از خداوند متعال برای همگی نسبت به وطن عزیز توفیق خدمت می‌طلبیم. و تمنا دارم آقایان متحصنین را از تلگرافخانه ضمن اظهار تشکر و سپاسگزاری از احساساتی که ابراز فرموده‌اند روانه فرمایید. نظر به این که امروز مجلس شورای ملی برای اخذ رأی اکثریت نداشت، اینجانب فقط قناعت نمودم که نظریات دولت را به عرض برسانم و درخواست کنم، چنانچه نمایندگان غایب از جلسه مخالف با نظریه دولت موافق می‌باشند تا روز سه شنبه ۱۹ شهریور ماه درخواست تشکیل جلسه فوق العاده نموده و حاضر شوند و رأی خود را بدهند. با تقدیم احترام دکتر محمد مصدق. (خاندان روضاتیان، ص ۲۸۳)

۳۱. ارسال نامه آیت الله چهارسوقی توسط دکتر مصدق به وزارت جنگ و دستور اقدام روی آن، خاندان روضاتیان، ص ۲۸۴

۳۲. نامه دکتر عباس نفیسی معاون دکتر مصدق در تشکر از نامه علمای اصفهان، خاندان روضاتیان، ص ۲۸۵

سایر فعالیت‌های هیئت علمیه
الف: دفاع از حجاب

یکی از نخستین تلاش‌های هیأت علمیه اصفهان، تلاش برای حجاب بود که اسنادی از آن مربوط به سال ۱۳۲۶ موجود است. بر اساس این اسناد، گفتگوهای هیأت علمیه با استانداری اصفهان، سبب شده است تا اطلاعیه‌ای از استانداری منتشر شده و از ورود زن‌های بی حجاب به مساجد و اماکن متبرکه جلوگیری شود. این اطلاعیه به شیراز رسیده و در شاهچراغ نصب شده و استانداری آن ناحیه دستور جمع آوری آن را داده است. [۳۲] این دستورالعمل در پی درخواست کتبی هیأت علمیه اصفهان (نامه شماره ۴۳) و با امضای آیت الله چهارسوقی بوده است.

ب: مبارزه با مسکرات

در نهضت عمومی ضد مسکرات که خود یک حرکت گسترده در بسیاری از شهرها بود، هیئت علمیه اصفهان نیز نقش عمده‌ای داشته و اسناد فراوانی از آن برجای مانده است. در این زمینه، علمای ایران از هر نقطه، به خصوص از کرمانشاهان فعالیت چشمگیری داشتند و این خود موضوع یک تحقیق مستقل و مفصل است.

هیأت علمیه اصفهان در تاریخ ۱۳۲۹.۹.۹ نامه‌ای به شرح ذیل به رزم‌آراء نوشت:

نخت وزیر کشور شاهنشاهی اسلامی ایران دامت شوکت

پس از اظهار مراسم مراسم تشکرات صادقانه از بذل مساعی جمیله در تشیید قواعد دین مقدس اسلام و جلوگیری از مناهی و منکرات شرعی از عالم اسلامیت [از] حضرت عالی استدعا می‌شود محض خشنودی خاطر صاحب شریعت مطهره، امر و مقرر فرمایید مطلقاً در سرتاسر کشور اسلامی فروش و خرید مشروبات الکلی و فحاشی و آب‌جو که در تمام ادیان و شریعات و مذاهب و ملل حرام و مایه صدها هزار مضار و مفسد روحی و جسمی و اخلاقی و مخالف با نص صریح اصل اول و دوم متمم قانون اساسی است، بالمره موقوف و متروک باشد تا صفحه تاریخ نخست وزیری حضرت اشرف به این امر مهم رنگین و مزین. در مراتب امیدواری عموم مسلمین و به خصوص روحانیین و هیأت علمیه محض مساعدت حضرتعالی که اساس دین مقدس اسلام امر داده بود، بدیهی است عرض حالی از طرف داعیان را که فقط محض دولت خواهی و رعایت مصالح شرعی است، اجابت خواهید فرمود.

الامر الاشراف مطاع

از طرف هیأت علمیه

میرزا سید حسن چهارسوقی

عبدالله الحسینی مدرس صادقی

مهر هیأت علمیه اصفهان [۳۳]

نامه نگاری هیأت ادامه یافت و هم از نخست وزیر و هم از شاه پیگیران ماجرا شده‌اند که اسناد آن در صفحات بعدی همان منبع آمده است.

ماجرای منع از فروش مسکرات، حتی اگر قانون شد، هرگز اجرا نشد، و لذا سندی در همین منبع آمده که مربوط به سال ۱۳۳۴.۱۰.۱۴ است و در آنجا باز هیأت علمیه اصفهان طی نامه‌ای که به شاه نوشته، خواسته تا فرمان ملوکانه‌ای در اجرای قانون منع مسکرات صادر کند. [۳۴] نامه‌هایی هم به رئیس مجلس سنا یعنی تقی زاده نوشتند. [۳۵] سال ۱۳۳۶ هیأت علمیه بار دیگر نامه‌ای به اقبال نخست وزیر نوشت. [۳۶] و این ماجرا ادامه دارد.

ج: مبارزه با زورگویی‌ها دولت به مردم

به علاوه تلاش برای مبارزه با باج خواهی‌های دولت و شهرداری از مردم نیز در زمره کارهایی بود که هیئت انجام داده و در این زمینه اسنادی برجای مانده است. در این زمینه، مورد حج هم نمونه دیگر بود. این قبیل موارد، موردی بود.

یک مورد خاص مربوط به موقوفات است که به طور معمول گرفتار مشکلات عدیده‌ای می‌شد و هیأت در باره برخی از موارد اقدام کرده است. [۳۷]

د: مبارزه با تبلیغات بهائیان

داستان مبارزه با تبلیغات بهائیان یکی از فعالیت‌های جاری این هیئت بود. این کاری بود که در آن زمان، نوع علمای بلاد با آن درگیر بودند؛ چنان که در قم، آیت الله بروجردی هم در این زمینه فعالیت می‌کرد. ما اسنادی را از این موارد که مربوط به آیت الله چهارسوقی بوده، بعضاً در کتاب خاندان روضاتیان آورده‌ایم.

- [۱] . بنگرید: مصدق و حاکمیت ملت، ص ۹۳۹ و مقایسه کنید با آنچه از آیت الله سید محمدرضا خراسانی در ص ۹۴۰ نقل شده است.
- [۲] . مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، (تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۳) ص ۵۰۱
- [۳] . مصدق، دولت ملی و کودتا، (تهران، طرح نو، ۱۳۸۰) ص ۴۱۱
- [۴] . مصدق، دولت ملی و کودتا، ص ۴۱۷
- [۵] . روزنامه اطلاعات، چهاردهم خرداد، ۱۳۳۰، ش ۷۵۳۵، صفحه آخر.
- [۶] . بنگرید: خواب آشفته نفت، از کودتای ۲۸ مرداد تا سقوط زاهدی، (تهران، نشرکارنامه، ۱۳۸۳) ص ۲۳۰
- [۷] . از میان خاندان‌های علمی اصفهان که از دوره صفوی - قاجاری در این شهر باقی مانده باشند، دست کم به دو خاندان می‌توان اشاره کرد. نخست خاندان نجفی‌ها و دوم خاندان روضاتی‌ها. طایفه سادات خاتون آبادی هم نه تنها در اصفهان که در برخی از شهرهای دیگر هم فعال بودند. جماعت امامی‌ها هم دسته دیگری هستند که به لحاظ شهرت در درجات بعدی قرار دارند.
- [۷] . بنگرید: خواب آشفته نفت، از کودتای ۲۸ مرداد تا سقوط زاهدی، (تهران، نشرکارنامه، ۱۳۸۳) ص ۲۳۰
- [۷] . از میان خاندان‌های علمی اصفهان که از دوره صفوی - قاجاری در این شهر باقی مانده باشند، دست کم به دو خاندان می‌توان اشاره کرد. نخست خاندان نجفی‌ها و دوم خاندان روضاتی‌ها. طایفه سادات خاتون آبادی هم نه تنها در اصفهان که در برخی از شهرهای دیگر هم فعال بودند. جماعت امامی‌ها هم دسته دیگری هستند که به لحاظ شهرت در درجات بعدی قرار دارند.
- [۸] . در باره این بزرگوار بنگرید: زندگانی حضرت آیت الله چهارسوقی، (اصفهان، ۱۳۳۲) صص ۷۵ - ۷۸
- [۹] . قودجان در میانه راه خوانسار و گلپایگان بوده و مرحوم میر ابوالقاسم آنجا را برای زندگی انتخاب کرده تا به هر دو شهر نزدیک باشد.
- [۱۰] . شرح حال ایشان را بنگرید در: زندگانی حضرت آیت الله چهارسوقی، صص ۹۶ - ۹۸
- [۱۱] . در باره وی و فرزندانش بنگرید: مکارم الآثار، ج ۶، صص ۲۰۸۴ - ۲۰۹۰؛ زندگانی آیت الله چهارسوقی، صص ۹۹ - ۱۰۰
- [۱۲] . مکارم‌الآثار، ج ۳، صص ۷۹۸ - ۸۲۰
- [۱۳] . تاریخ اصفهان، فصل تکایا و مقابر، (تهران، نشر هما، ۱۳۸۱)، صص ۲۵۰ - ۲۶۵
- [۱۴] . در باره وی و فرزندانش بنگرید: مکارم الآثار ج ۳، صص ۹۸۹ - ۹۹۲؛ زندگانی آیت الله چهارسوقی، صص ۱۱۱ - ۱۲۲
- [۱۵] . شرح حال ایشان را بنگرید در: زندگانی حضرت آیت الله چهارسوقی، صص ۷۹ - ۸۱
- [۱۶] . در باره وی بنگرید: مکارم الآثار، ج ۵، صص ۱۷۰۴ - ۱۷۰۶
- [۱۷] . شرح حال وی را بنگرید در: مکارم الآثار، ج ۵، صص ۱۸۱۹ - ۱۸۲۱
- [۱۸] . وی نیز از علمای اصفهان بوده و شرح حال وی و فرزندانش که در سلک روحانیت بوده‌اند، در مکارم الآثار ج ۶، صص ۱۹۷۷ - ۱۹۸۰ آمده است.
- [۱۹] . در باره وی بنگرید: مکارم الآثار، ج ۶، صص ۲۰۹۰ - ۲۰۹۱
- [۲۰] . در باره ایشان بنگرید: زندگانی آیت الله چهارسوقی، صص ۱۰۳ - ۱۰۴
- [۲۱] . بنگرید: مکارم الآثار، ج ۵، صص ۱۴۹۶ - ۱۴۹۸
- [۲۲] . در باره وی بنگرید: مکارم الآثار، ج ۷، صص ۲۴۹۳ - ۲۵۱۱ در اینجا اطلاعات جامعی در باره فرزندان آقا میرزا جلال الدین همراه با تصاویر و خطوط منحصر به فرد از بسیاری از آنان به کوشش استاد ارجمند حاج سید محمد علی روضاتی - دامت برکاته - درج

شده است.

[۲۲]. در باره تأسیس هیئت علمیه اصفهان توسط حاج آقا نورالله بنگرید: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، مصلح الدین مهدوی، ج ۲، ص ۱۴۴

[۲۴]. زندگانی حضرت آیت الله چهارسوقی، ص ۲۹ - ۳۱

[۲۵]. از آن جمله است فعالیت حسام الدین دولت آبادی که به اظهار آیت الله روضاتی، خود شخصا از تهران به اصفهان آمده علما را جمع آوری کرده و آنان را برای ایجاد یک تشکل مذهبی - سیاسی تحریض می‌کرد. (از اظهارات شفاهی حضرت استاد).

[۲۶]. حج: ۷۸

[۲۷]. نساء، ۱۴۱

[۲۸]. روزنامه شاهکار نو، مورخه ۱۳۲۹.۱۱.۳، به نقل از زندگانی آیت الله چهارسوقی، ص ۳۱ - ۳۲

[۲۹]. روزنامه شاهد، ۱۳۲۹.۱۱.۱۰

[۳۰]. اسنادی از قیام سیام تیر، (تهران، مرکز اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۲)، ص ۱۳۰

[۳۱]. زندگانی آیت الله چهارسوقی، ص ۳۵ - ۳۶

[۳۲]. اسنادی از انجمن‌ها و مجامع مذهبی، ص ۳۶۵ - ۳۶۶

[۳۳]. اسنادی از انجمن‌ها و مجامع مذهبی، ص ۳۶۷ - ۳۶۸

[۳۴]. اسنادی از انجمن‌ها، ص ۲۸۰

[۳۵]. همان، ص ۲۸۲

[۳۶]. همان، ص ۲۸۳

[۳۷]. اسنادی از انجمن‌ها، ص ۳۷۳ - ۳۷۹